

## “The view to “conquest narrative” of Aviny martyr based on narrative“

Behjatosadat Hejazi\*

Hakimeh Akhondzadeh\*\*

### Abstract

Aviny martyr has created unlike imagination and effective with compilation of literary narrative and historic in writing of “conquest narrative” and unique style expression in speech it. Fanciful grave with attendance to tone and tonicity in music of language and indexing expression and writing by use construable metaphor, are among illustrious typicality’s prose of Aviny martyr. He emphasis for semantic on idealistic concepts and contents of Islamic religion, Islamic revolution and holy defense by emphasis on contents like Ashoora, belief to future too. One of typical “conquest narrative” documentary in comparison with other martial documentaries, is honesty and verismo of narrator and turtledove to personages that narrative devotional of them. Also use metaphors in construable language and illuminate attitude in his writing and expression, is among other indexes in this documentary. “Conquest narrative” is of kind validity and narrative to general concept not storied narrative; for this reason details of storied narrative aren’t involved in this article. Authors in this research want to achieve to answer this question that, what are illustrious properties documentary of holy defense “conquest narrative”? This research has proceed to style descriptive-analytical and based on analysis qualitatively content to survey illustrious of text expression of “conquest narrative” text with narrative attitude in the most important his book, “Empyreal treasure”.

**Keywords:** “Conquest narrative”, narrative, Aviny martyr.

---

\* Associate Professor, Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman  
(Corresponding Author), hejazi@uk.ac.ir

\*\* Master, Shahid Bahonar University, Kerman, hakimeh.akhondzadeh@iran.ir

Date received: 04/06/2021, Date of acceptance: 03/09/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## نگرشی به «روایت فتح» از شهید آوینی بر مبنای روایت‌گری

بهجت السادات حجازی\*

حکیمه آخوندزاده\*\*

### چکیده

شهید آوینی با تلفیقی از روایت ادبی و تاریخی در نوشتار «روایت فتح» و شیوه بیان منحصربه‌فرد خود وی در گفتار آن خلأقیتی بی‌نظیر و تأثیرگذار آفریده‌است. از خصوصیات بارز نثر «شهید آوینی»، در روایت‌گری، نقش آفرینی خیال‌انگیز با توجه به نوا و آهنگ در موسیقی کلام و شاخص نمودن گفتار و نوشتار با استفاده از استعاره‌های تأویلی است. به لحاظ معنایی نیز وی بر مفاهیم و درون‌مایه‌های آرمانی دین اسلام، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با تکیه بر مضامینی همچون عاشورا، ایمان به معاد، و ... تأکید دارد. یکی از برجستگی‌های مستند «روایت فتح» در مقایسه با سایر مستندهای جنگی صداقت و حقیقت‌بینی راوی و عشق‌ورزیدن به شخصیت‌هایی است که با دل و جان از آنها روایت می‌کند. همچنین کاربرد استعاره‌ها در زبان تأویلی و رویکرد اشراقی در نوشتار و گفتار خود از دیگر برجستگی‌های این مستند است. «روایت فتح» از نوع روایی و روایت به معنای عام است نه روایت داستانی؛ از این رو جزئیات روایت داستانی در این مقاله مد نظر نیست. نگارندگان در این جستار به دنبال دست یافتن به پاسخ این پرسش هستند که ویژگی‌های برجسته مستند دفاع مقدس «روایت فتح» چیست؟ این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای تحلیل محتوای کیفی متن به بررسی برجستگی‌های گفتار متن «روایت فتح» از منظر روایت‌گری در مهم‌ترین اثر وی، «گنجینه آسمانی» می‌پردازد.

\* دانشیار، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان (نویسنده مسئول)، hejazi@uk.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد، دانشگاه شهید باهنر، hakimeh.akhondzadeh@iran.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲

**کلیدواژه‌ها:** روایت فتح، روایت‌گری، شهید آوینی.

## ۱. مقدمه

یکی از اصلی‌ترین گونه‌های مستندسازی و اسناد تاریخی در سینمای مستند ایران، گونه جنگی مجموعه مستند «روایت فتح» با مدیریت «شهید آوینی» است که به ثبت رویدادهای جنگ بر مبنای واقعیت می‌پردازد. «روایت فتح» که پخش آن از رسانه (سیما) از سال ۱۳۶۴ آغاز گردید، مجموعه‌ای با ویژگی‌های منحصربه‌فرد و گزارشی مستقیم و بی‌واسطه از رخدادهای میدان نبرد؛ به دور از شعار و تصنع است. از شاخصه‌های بارز این مجموعه تلویزیونی، بیان و ثبت مستقیم حقایق جنگی - تاریخی با نگرش و بینش عرفانی توأم با سلحشوری حماسه‌سازان هشت سال دفاع مقدس و پایداری نیروهای مردمی در شرایط ویژه جنگی می‌باشد؛ که بازتاب آن در مکتبی تحت عنوان سینما و ادبیات اشراقی متبلور می‌گردد.

«شهید آوینی» در مجموعه «روایت فتح» کوشش نمود، از آن‌چه که مانع بازتاب طبیعی رویدادهای صحنه‌های جنگ گردد، اجتناب ورزد. «روایت فتح» مجموعه‌ای است که تنها در موضوع شباهت به انواع مستندهای جنگی دارد؛ اما در معنا، ساختار و روایت آفرینش‌گر گونه‌ای جدید در عرصه سینمای مستند می‌باشد؛ زیرا اشاره به انسان مطلوب اولیاء و انبیاء را سرلوحه خویش قرار داده است. مستندهای جنگی معمولاً ترکیبی از گزارش گزارش‌گر و تصاویر در مورد وضعیت نیروهای خودی است؛ اما «شهید آوینی» با استفاده از دوربین روی دست و حذف گزارشگر، اتفاقات میدان نبرد (منطقه جنگی) را به مخاطب انتقال می‌دهد. آن‌چه تماشای این مجموعه را برای مخاطبان کثیر آن لذت‌بخش می‌ساخت، بیان حقایق رویدادهای صحنه‌های جنگ با کلام ادبی و صدای گرم وی بود که گفتار متن برنامه «روایت فتح» را با لحنی صمیمانه و دلنشین قرائت می‌نمود.

«شهید آوینی» به آثار ادبی و هنری نگاهی ویژه داشته است. از نظر او تمام آثار هنری و ادبی در حکم یک «رسانه» هستند و باید حامل اندیشه و محتوایی باشند که برای مخاطبان خود، مهم تلقی شوند. از این چشم‌انداز هنر و ادبیات علاوه بر زیبایی و لذت‌بخشی لازم است آموزنده و برانگیزنده هم باشند؛ این اثر (روایت فتح) ضمن سرگرم ساختن و ایجاد زمینه زیبایی‌شناختی و لذت‌مندی، محتوای معنوی و الهی خود را منتقل می‌سازد. تبیین اهداف هنری «شهید آوینی» و شگردها و تکنیک‌های او در این زمینه،

نگرشی به «روایت فتح» از شهید ... (بهجت السادات حجازی و حکیمه آخوندزاده) ۲۳

شاهکار هنری وی (روایت فتح)، را هر چه بیشتر به مخاطبان به ویژه نسل جوان معرفی می‌کند و در معرض دید آنان قرار می‌دهد.

### ۱.۱ بیان مسئله

تحلیل و واکاوی آثار دفاع مقدس، به لحاظ روایت‌گری و روایت‌شناسی ارزش‌زبانی، ادبی و محتوایی آن‌ها را برجسته‌تر می‌کند به خصوص اگر نگارندگان این آثار، خود در متن جریان دفاع مقدس، شاهد رویدادها و روایت‌کننده آن‌ها باشند. پرسش اصلی این پژوهش این است که «روایت فتح» از منظر روایت‌گری چه ویژگی‌های تأثیرگذار و منحصربه‌فردی دارد؟ از این‌رو انجام این پژوهش کوششی در مسیر تبیین و تحلیل «روایت فتح» «شهید آوینی»، به عنوان یکی از نثرهای ممتاز ادبیات دفاع مقدس در جهت شناخت اندیشه‌های والای وی می‌باشد. ضمن اینکه به لحاظ دو شیوه روایت‌گری او (نوشتاری و گفتاری) شواهدی از گفتارهای نغز او نیز بیان شده‌اند.

### ۲.۱ پیشینه تحقیق

بررسی آثار نویسندگان عرصه ادبیات دفاع مقدس از جنبه‌های گوناگون، می‌تواند در شناخت، درک، جذابیت و لذت بیشتر از این آثار مؤثر واقع گردد. لذا ریشه‌یابی و تحلیل دقیق شاخصه‌های متنوع این آثار، ارزش و اهمیت زیبایی‌شناختی، هنری، معنایی و فکری آن‌ها را برجسته‌تر می‌نماید. «شهید آوینی» از نویسندگان متعهد و ولایت‌مدار است که آثارش از چشم‌اندازهای مختلف مورد تحقیق و پژوهش واقع شده‌است که از جمله آن‌ها می‌توان به آثار ارزشمند زیر اشاره نمود: پایان‌نامه «بررسی زندگی، شخصیت و آثار شهیدان اهل قلم» (۱۳۹۱) که در آن به بررسی زندگی، افکار و شخصیت بزرگان انقلاب از جمله «شهید آوینی» پرداخته‌است (علی اکبری، ۱۳۹۱). مقاله «سینمای اشراقی، سینمای معناگرا از منظر آراء شهید مرتضی آوینی» که در آن شباهت سینمای معناگرا و سینمای اشراقی مورد بررسی قرار گرفته‌است (آروین و دادور، ۱۳۹۳).

معززی‌نیا در کتاب «سینما و افق‌های آینده؛ جستجویی در آراء و افکار شهید سیدمرتضی آوینی» به ارزیابی «شهید آوینی» در مقام یک متفکر و نظریه‌پرداز پرداخته و مطالب کتاب را به صورت پرسش و پاسخ مطرح می‌نماید (معززی‌نیا، ۱۳۸۸). جعفریان در

کتاب «شهید آوینی، مروری بر آثار و اندیشه‌ها» به صورت کلیّ به موضوعاتی نظیر زندگی‌نامه و فعالیت‌های فرهنگی علمی، اندیشه و آثار «شهید آوینی»، اشاره کرده و به معرفی آن‌ها پرداخته‌است (جعفریان، ۱۳۸۹). احمدخمسه در کتاب «معراج عشق» از بُعد ادبی نثر «شهید آوینی» را مورد بررسی قرار داده‌است (احمدخمسه، ۱۳۹۶). از دیگر آثاری که درباره «شهید آوینی» به رشته تحریر در آمده‌است و توجه مخاطب را جلب می‌نماید، کتاب «ماجرای فکر آوینی» تألیف یامین پور است (یامین پور، ۱۳۹۸). جای خالی پژوهشی در خصوص روایت‌شناسی روایت فتح در نظر نگارندگان این مقاله احساس می‌شد که ضرورت انجام این پژوهش را تبیین می‌کرد.

### ۳.۱ روش پژوهش

از منظر معناشناسی، اهمّیت و اعتبار یک نوشتار هنگامی است که معنا و مفهوم آن با هنر بیان و خلّاقیت ادبی ارائه‌گردد و در ژرفنای وجود مخاطب بنشیند. از آنجا که «روایت فتح» از نوع روایی و روایت به معنای عامّ است نه روایت داستانی؛ از این رو جزئیات روایت داستانی در این مقاله مدّ نظر نیست. این پژوهش دو بخش دارد: بخشی مؤلف محور که به شخصیت آوینی و شیوه روایت‌گری او می‌پردازد و بخشی متن محور که در حدّ گنجایش این مقاله به بررسی متن روایت فتح اختصاص می‌یابد. این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای تحلیل محتوای کیفی متن به بررسی برجستگی‌های گفتار متن «روایت فتح» از منظر روایت‌شناسی در مهم‌ترین اثر وی، «گنجینه آسمانی» می‌پردازد.

## ۲. بحث اصلی

### ۱.۲ معرفی شهید آوینی

«سید مرتضی آوینی» برای بسیاری فقط نویسنده و کارگردان مستند «روایت فتح» و مستندهای دیگر بود، ولی وقتی پس از شهادت، رهبر معظم انقلاب لقب «سرور شهیدان اهل قلم» را به ایشان اهداء کردند تازه وجوه علمی این شخصیت برای بسیاری نمایان شد و آرام آرام مقالات او که در نشریه سوره منتشر شده بود آشکار شد و به دست بسیاری از اندیشمندان افتاد» (یامین پور، ۱۳۹۸: ۲۲۴-۲۲۳).

«سید مرتضی آوینی» در سال ۱۳۲۶ در شهر ری متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهرهای زنجان، کرمان و تهران به پایان رساند و سپس به عنوان دانشجوی معماری وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. او از کودکی با هنر انس داشت، شعر می سرود، داستان و مقاله می نوشت و نقاشی می کرد. آثار مکتوب بسیاری از وی برجای مانده است؛ اما بیشترین اثرگذاری او در سینما و مستندسازی بود. مهم ترین بخش از فعالیت های «سید مرتضی آوینی»، مجموعه «روایت فتح» است. «روایت فتح» در پنج مجموعه ۱۱ تا ۱۴ قسمتی، از عملیات خیبر تا مرصاد تهیه و ساخته شده و پخش آن نیز از سال ۱۳۶۵ از شبکه اول سیما، آغاز شد. کارگردانی، تدوین، نگارش و قرائت گفتار متن های این مجموعه را «سید مرتضی آوینی» خود بر عهده داشت، چنان که در سایه عنایت حق تعالی و اخلاصی که در او و گروه کوچکش موج می زد؛ یکی از بهترین و شگفت انگیزترین مستندهای تاریخ سینمای جهان رقم خورد» (تاجدینی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

«مستند «روایت فتح» که اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ از تلویزیون پخش می شد، در جذب مخاطب موفق عمل می کرد و مستندساز دوران دفاع مقدس «شهید آوینی»، به این دلیل جایگاه خاصی در سینمای پس از انقلاب پیدا کرد. دیدن مستندهای «شهید آوینی»، بدون شنیدن صدای او تجربه ای ناقص است. وی با استفاده از گفتار متن، انتخاب تصاویر و در یک کلام در بخش کارگردانی، حضور خود را به رخ می کشید و بیش از هر یک از شخصیت های فیلم هایش در ذهن مخاطب زنده می ماند و قهرمان آثارش می شد، حتی اگر حضوری مقابل دوربین نداشت. در بین تمام مستندهایی که در سیما (رسانه) در سال های جنگ و بعد از آن برای انعکاس رشادت رزمندگان و نمایش مظلومیت ایران در این جنگ نابرابر به تصویر کشیده شد، «روایت فتح» هنوز با گذشت سال ها از تولید آن جایگاه ویژه ای دارد؛ در این مجموعه مستند، تصاویر مربوط به جنگ با متن های عاشقانه و شاعرانه (روایت ادبی - هنری) پیوند می خورد و فضایی معنوی، (روایت عرفانی و اخلاقی) ترسیم می گردد. به لحاظ موضوعی نیز مستند «روایت فتح»، تلفیقی است و آمیزه ای از اخلاق، عرفان، مفاهیم دفاع مقدس و جنگ و روایت تطبیقی با فرهنگ عاشورا می باشد.

این پژوهش به بررسی روایت گری اثر «شهید آوینی» (گنجینه آسمانی)، در مجموعه تلویزیونی مستند «روایت فتح» می پردازد. «روایت فتح» از نوع روایی و روایت به معنای عام است؛ بنابراین پیش از ورود به این مبحث، تعاریف مربوط به روایت و روایت شناسی بیان می گردد.

## ۲.۲ مفهوم روایت و روایت‌شناسی

«روایت یکی از شکل‌های چهارگانه خلق نوشتار است و سه نوع دیگر عبارت از بحث‌کردن و توصیف نمودن و تفسیر کردن هستند» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۷۷). چنین می‌نماید که ماده و صورت روایت در اصل و بدایت، گفتار شفاهی بوده‌باشد و نوشته در واقع صورت ثانوی و قاب گرفته و قالب یافته کلام سیال است. اما همان‌سان که کلام مکتوب می‌تواند روایت باشد، شکل‌های دیگر بیانی و نظام‌های نشانه‌ای و دلالتی همچون آواها، تصویرها، آثار تجسمی و حجمی و گونه ترکیبی گفتار و تصویر و آوا در گروه روایت قرار می‌گیرند. روایت، اعم از شفاهی یا گفتاری و نوشتاری، متنی است که در نتیجه حضور و دیدن و شنیدن کردار و گفتار دیگران یا رخدادهای مشهود در ذهن و زبان راوی شکل می‌گیرد و رشد می‌کند و متأثر از دلایل و اظهار گزارش می‌شود. در این فرایند، راوی صانع و ناقل روایت است و مخاطب، موضع یا امر واقع را از معرض انگاشت و پنداشت و گفت و شنود راوی درمی‌یابد (کمری، ۱۳۸۷: ۳۳۵).

روایت معرف زنجیره‌ای از رخدادهای است که در زمان و مکان (فضا) واقع شده‌است. بخشی از اهمیت روایت و شیفتگی ما به آن برخاسته از این امر است که روایت نه فقط در شکل‌های مختلف بیان فرهنگی بلکه در الگوهای خود ما و همین‌طور بینش ما از زندگی نقش بنیادی ایفا می‌کند؛ برای مثال: گفتگوهای ما با دیگران حاوی قطعات روایی است. درواقع، ما اغلب چیزی را که خود تجربه کرده‌ایم گزارش می‌کنیم. اغلب افکار ما شکل روایی دارد و حتی رؤیاهای ما مانند داستان‌هایی ناقص و آشفته است. انسان‌ها به تثبیت الگوهای روایی نیازی درونی دارند که این هم به تمایل ما به دیدن زندگی به شکل داستان وابسته است. یک خط سیر به لحاظ زمانی محدود از آغاز تا پایان و از تولد تا مرگ که دوست داریم هر مرحله‌اش معنادار باشد و بتوانیم در چهارچوب آن، انتخاب‌های خود را توجیه کنیم (لوتنه، ۱۳۸۶: ۹).

روایت‌شناسی، علم مطالعه ساختار و دستور زبان روایت‌ها است. تحلیل روایت در حوزه زبان‌شناسی، ادبیات، علوم اجتماعی و ارتباطات کاربرد دارد. مهم‌ترین ویژگی این روش کیفی، دستیابی به الگویی منظم و دقیق به منظور توصیف و تفسیر روایت‌ها و داستان‌ها است.

مبنای روایت‌گری، نقل داستان و روایت یک ماجرا است که به شکل مکتوب یا شفاهی و یا تصویر ارائه می‌شود. در این روش، تمرکز بر راه‌هایی است که مردم



نگرشی به «روایت فتح» از شهید ... (بهجت السادات حجازی و حکیمه آخوندزاده) ۲۷

داستان‌ها را ساخته و برای تفسیر جهان به کار می‌گیرند. به این ترتیب، روایت‌ها صورت‌های گوناگونی دارند. روایت‌های تولید شده بر اساس مشاهدات مردم، در زمینه‌ها اماکن خاص اجتماعی، تاریخی و فرهنگی هستند و به عنوان یک محصول اجتماعی محسوب می‌شوند و به عنوان نماینده تفکر مردم و یک دستگاه تفسیری از خود و جهان پیرامونی هستند (نقیب‌السادات و اسدیان، ۱۳۹۵: ۴۶ و ۲۵).

بنا بر نظریات روایت‌شناسی، روایت در دو سطح داستان و کلام قابل بررسی است: داستان، آن چیزی است که گفته می‌شود و کلام، نحوه گفتن آن است. بر همین مبنا، سطوح تحلیل روایت به قرار زیر است:

الف. داستان: داستان شامل رویدادها، شخصیت‌ها و زمینه است که روابط این سه عنصر بسیار متغیر است.

ب. کلام (گفتمان): کلام شامل پرداخت‌های هنری داستان از طریق سرعت گزارش رویدادها و موقعیت راوی نسبت به چگونگی نمایش رویدادها، ویژگی‌ها و رفتار شخصیت‌ها است (تولان، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۴). «روایت‌شناسی، شعبه‌ای از رویکرد علمی نسبتاً نوینی است که دغدغه اصلی آن شناسایی عناصر ساختاری و حالت‌های مختلف ترکیب این عناصر در روایت شگردهای مکرر روایت و تحلیل گفتمان در روایت است» (داد، ۱۳۹۲: ۲۵۵).

## ۳.۲ تفاوت روایت و داستان

روایت و داستان با تاریخ نوع بشر آغاز می‌شود و نمی‌توان برای آن‌ها تاریخ تعیین کرد. در هیچ‌جا نمی‌توان مردمانی را یافت که در گذشته یا در حال حاضر روایت نداشته باشند. ما از گذشته‌های دور تاکنون این دو مقوله را به صورت مترادف و یکی را به جای دیگری به کار برده‌ایم، در حالی که این یکسان‌پنداری بین روایت و داستان اشتباه است. داستان حوادثی است که اتفاق می‌افتد، ولی روایت نحوه بیان آن‌ها است. یک واقعه یا داستان را می‌توان به صورت‌های گوناگون مانند قصه مصور، فیلم، تئاتر یا دیگر هنرهای نمایشی، به زبان کودکان و ..... تعریف کرد.

پس اصل یا هسته مرکزی وقایع یکی است، در حالی که نحوه بیان آن‌ها فرق دارد. روایت بیشتر شامل اعمال کلامی و بیانی است، در حالی که داستان بیشتر کار (اکشن)ها و کنش‌های یک واقعه را دربرمی‌گیرد. تعدد روایت‌ها برای یک ضرب‌المثل یا تعدد

داستان‌های ساخته‌شده برای یک مثل نمونه‌ای از تفاوت‌های میان داستان و روایت است. اگرچه روایت یک توالی زمانی دارای گفتمان است، ولی همه گفتمان‌ها روایت نیستند (خدادادی و طاهری، ۱۳۹۶: ۴۴ و ۴۵).

فیلم مستند بر واقعیت استوار است و یکی از اسناد تاریخی با اهمیت در ثبت رویدادها، فیلم‌های مستند جنگی است. «روایت فتح»، حاصل تخیل و داستان‌پردازی نویسنده نمی‌باشد و با روایت و گفتگو، مخاطب در اکتشاف واقعیت سهیم می‌گردد و حقیقت در فیلم به صورت عینی آشکار می‌شود و به قاب تصویر درمی‌آید. «شهید آوینی» حقایق صحنه‌های نبرد را به صورت طبیعی و بدون تغییر در حافظه دوربین خود ثبت می‌نماید و گفتار متن و کلام در برنامه روایت فتح با اجتناب از اغراق و غلو به روشن‌گری به بیان اندیشه تصاویر می‌پردازد. به تعبیری، این چهره ماندگار و نامی عرصه دفاع مقدس، راوی حقایق می‌باشد که در جبهه‌های جنگ به صورت زنده و جاری مشاهده می‌گردد و مخاطب خویش را به یافتن معنا دعوت می‌نماید که به نوعی احترام و تعهد نسبت به مخاطب در بیان واقعیت می‌باشد.

## ۴.۲ انواع روایت

با وجود گسترش انواع روایت در دنیای کنونی، به طور کلی می‌توان به سه نوع روایت نوشتاری متداول در آثار پیشین اشاره کرد: روایت داستانی، روایت تاریخی و ادبی. روایت داستانی، روایت‌گری زنجیره‌ای از رخداد‌های داستانی است. اگرچه این تعریف بدیهی به نظر می‌رسد، اما چند نکته را در مورد پاره‌ای مسائل اساسی بوطیقای روایت داستانی خاطر نشان می‌سازد. نخست این که، واژه روایت‌گری اشاره دارد به این که در فرایند ارتباط فرستنده، روایت را در قالب پیام برای گیرنده ارسال می‌کند و دو ماهیت کلامی رسانه که پیام را انتقال می‌دهد و همین ماهیت کلامی است که روایت داستانی را از روایت در دیگر رسانه‌ها مثل فیلم، رقص یا پانتومیم متمایز می‌سازد. همچنین این تعریف نشان می‌دهد که چگونه روایت داستانی از دیگر متون ادبی مثل شعر غنایی و نثر توضیحی متمایز می‌شود (ریمون-کنان، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۱). بر این اساس «روایت داستانی» یکی از انواع روایت است که در قالب و فرم داستان بیان می‌شود. حال این روایت می‌تواند برگرفته از یک واقعیت بیرونی باشد و یا تنها ساخته و پرداخته ذهن نویسنده؛ اما آن هنگام که

به صورت روایت داستانی شکل‌بندی می‌شود، حائز وجود می‌شود. در هر صورت، روایت داستانی مکمل و حتی فرای روایت تاریخی است (فرهادپور، ۱۳۷۵: ۴۰).

سبک روایت‌گری «شهید آوینی» در مجموعه تلویزیونی مستند «روایت فتح»، نثری روایی، توأم با حقیقت‌گویی و آمیخته با عناصر ادبی را رقم زده‌است. کاربرد علم بیان در کلام شیوا و رسای این مجموعه ارزشمند، که از جان و روح نویسنده نشأت گرفته علاوه بر لذت و زیبایی، آن را برای مخاطبان قابل درک و تأثیرگذار نموده‌است. دمیدن روح عاشورایی در بیان هنری روایت فتح، با نوع نوشتار (قلم) و صدای آهنگین «شهید آوینی» سبب ماندگاری آن در اذهان خاص و عام گردیده؛ زیرا گفتار متن، آرام‌بخش و نوازش‌گر روح انسان با بهره‌گیری از ترکیبات شاعرانه و پیام معنوی، در راستای حفظ آرمان‌های الهی در کالبد فطرت بشری گردیده‌است. نوشتار عارفانه، ادیبانه و مبتنی بر واقعیت در این اثر گران‌قدر، مخاطب ژرف‌اندیش را در جهت درک اندیشه والا و دینی وی به تحسین وامی‌دارد تا مفهوم حقیقی کلام الهی و عرفانی وی را دریابد. در واقع قلم نویسنده در نگارش متن نوشته، نمایانگر اندیشه ملکوتی و نگاه توحیدی وی می‌باشد. شهید آوینی با تلفیقی از روایت ادبی و تاریخی در نوشتار «روایت فتح» و شیوه بیان منحصر به فرد خود وی در گفتار آن خلّاقیتی بی‌نظیر و تأثیرگذار آفریده‌است. یکی از برجستگی‌های مستند «روایت فتح» در مقایسه با سایر مستندهای جنگی صداقت و حقیقت‌بینی راوی و عشق‌ورزیدن به شخصیت‌هایی است که با دل و جان از آنها روایت می‌کند.

روایت ادبی گزاره‌های کلی، جهان‌شمول و رها از قیدهای زمانی و مکانی هستند؛ اما گزاره‌های روایت تاریخی جزئی هستند و مقید به زمان و مکان خاص به گونه‌ای که اگر آن زمان و مکان، از آن‌ها سلب شود، صفت تاریخی بودن خود را از دست می‌دهند (رشید یاسمی، ۱۳۱۶: ۶۳). راوی در روایت ادبی عموماً بر طرح و پیرنگی غیر موروثی، متغیر و بی‌سابقه حرکت می‌کند. در روایت‌های ادبی مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی مثل رمان تاریخی نیز راوی در جزئیات طرح دخل و تصرف می‌کند، چیزی بر آن می‌افزاید یا از آن می‌کاهد. این روایت معمولاً متمایل به نبود پیرنگ ثابت است (والاس، ۱۳۸۶: ۲۱). البته باور مخاطب نیز در گرو انطباق ساختار متن با قاعده‌ها و ژانرهای ادبی آن است (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۸۵). راوی ادبی عنصری درون‌متنی است که بی‌آن‌که با ذهنیت نویسنده واقعی (مؤلف) خلط شود (ریکور، ۱۳۸۴: ۱۵۳) همانند شخصیت‌های متن، تخیلی به حساب می‌آید (همان: ۱۱۸) و به همین دلیل مؤلف با انتخاب راوی از هستی خود

جدا می‌شود و به عنوان یک عنصر درون‌متنی، حیاتی تازه را تجربه می‌کند (مدبری، ۱۳۸۷: ۸). روایت تاریخی (که در آن اصل بر راست‌بودگی است) مبتنی بر «واقعیت گذشته واقعی» و پیرنگ موروثی است (والاس، ۱۳۸۶: ۲۱).

در روایت ادبی هر رویداد هنگامی «واقعیت» شمرده می‌شود که به توصیف درآید (همان: ۴۹). «تاریخ بر اساس شواهد و رویدادهای واقعی زندگی انسانی شکل می‌گیرد و تاریخ‌نگار با مشاهده این رویدادها یا بر اساس نقل‌شاهدان سعی می‌کند توصیف‌ها و تحلیل‌هایی علمی از آن‌ها عرضه کند» (نجومیان، ۱۳۸۵: ۳۰۵). شیوه روایت‌گری شهید آوینی در «روایت فتح»، به علت جامع‌نگری در شرح وقایع، رویدادها و حوادث صحنه‌های نبرد، اجتناب از تک‌بُعدی‌نگری نسبت به مسئله دفاع مقدس و صداقت در گفتار و کردار در بیان حقایق جنگ به شکل مستند (در قالب کلام و تصویر)، آن را در جایگاه شاهکار مستند دفاع مقدس قرار داده‌است.

هم‌چنین در این مستند با پرهیز از هر گونه بدعت و تحریف در تحلیل حقایق دفاع مقدس و در گامی بلندتر با بیان پیامدها، دستاوردها، ارزش‌ها و تحولات دوران دفاع مقدس، ضرورت توجه به تجارب، درس‌ها و فرهنگ دفاع مقدس را تبیین می‌نماید. ادبیات حماسی و عرفانی فاخر در دوران دفاع مقدس به همراه آموزه‌های مذهبی و اندیشه انقلابی، تأثیر بسزایی در حوزه هنر و ادبیات داشته‌است. سینمای مستند دفاع مقدس، مکمل ادبیات مقاومت در کشور ما شد که در این زمینه «شهید آوینی» تاریخ جنگ و دفاع مقدس (فضای معنوی، حماسی جبهه و رزمندگان اسلام) را به زیبایی در قاب تصویر با عنوان «روایت فتح» در معرض دید مخاطبان، به نمایش گذاشته‌است.

این هنرمند فرهیخته، با بیان تاریخ ادبیات مقاومت و دفاع مقدس، به شیوه ادبی در عرصه گفتار (کلام)، تصویر (فیلم)، نوشتار (قلم، متن گفتار)، نمایانگر افق اندیشه و رفتار رزمندگان اسلام و حماسه‌آفرینان هشت سال دفاع مقدس می‌باشد. مجموعه مستند «روایت فتح»، به دلیل صدای رسا و زیبا، نثر ادبی پویا و نوگرا، تصویرپردازی‌های شگرف و بدیع از دل‌آوری و شهامت رزمندگان اسلام و بُعد الهی و معنوی آن، با نگرش اشراقی و بیان تأویلی به پربیننده‌ترین برنامه‌های مستند عرصه دفاع مقدس در دوران معاصر تبدیل گشت و در تاریخ ادبیات مقاومت برای نسل‌های آینده به یادگار مانده‌است. کلام ادبی، روایت تاریخی (واقع‌گرایی)، اجتناب از عبارات شعاری، بیان روایی در کلام و تصویر با تفکر دینی و الهی، این اثر فاخر را جذاب و جاودانه نموده‌است.

## ۵.۲ راوی

هر اثر ادبی از سه سطح: راوی، کنشگر و مخاطب (روایت‌شنو) تشکیل شده‌است و این سه سطح در تقابل با یکدیگر باعث به وجود آمدن گونه‌های روایی با سطوح مختلف آن می‌شود. «روایت‌شنو» کسی است که راوی او را مورد خطاب قرار می‌دهد. مقوله‌ها و سؤال‌هایی که در بررسی راوی مطرح است، در بررسی روایت‌شنو نیز مورد توجه است؛ چنان‌که روایت‌شنو مانند راوی یا می‌تواند برون‌داستانی یا درون‌داستانی باشد. نکته مهم این است که اغلب، نوع روایت‌شنو در تناسب با راوی است؛ یعنی هر نوع راوی همان نوع روایت‌شنو را دارد؛ برای مثال راوی آشکار روایت‌شنوی آشکار و راوی برون‌داستانی روایت‌شنوی برون‌داستانی را فرا می‌خواند (بامشکی و قوام، ۱۳۸۹: ۹۲). گاهی این روایت‌شنو تمام و کمال جاندار است و گاهی بی‌جان است. به هر حال روایت‌شنو عاملی است که مخاطب راوی است (همان: ۱۴۲).

آن‌کس که آگاهانه قصه می‌گوید و از گفتن روزی روزگاری ابایی ندارد، کلام خویش را به جوهر تاریخی - روایی تجربه و فهم بشری و در نتیجه به حقیقت نزدیک‌تر می‌کند (فرهادپور، ۱۳۷۵: ۳۵). «هر روایت از دو جزء قصه و قصه‌گو تشکیل می‌شود. در اصطلاح ادبیات به کسی و (گاهی چیزی) که داستان را روایت می‌کند، راوی گویند؛ به سخن دیگر، راوی شخصیتی است که نویسنده، حوادث داستان را از زبان او نقل می‌کند» (داد، ۱۳۹۲: ۲۲۹). راوی عامل ساختاردهنده و از عناصر اصلی روایت است که اصول پایه‌ای داستان که داوری‌های ارزشی بر پایه آن‌ها شکل می‌گیرد، از راوی تأثیر می‌پذیرد. راوی است که اندیشه‌های شخصیت‌ها را از ما پنهان می‌دارد، یا آن‌ها را بر ما آشکار می‌کند و تصور خود را از «روان‌شناسی» با ما در میان می‌گذارد. او است که میان سخن نامستقیم و سخن انتقالی، میان ترتیب تقویمی رخدادها و زمان‌پریشی‌ها گزینش می‌کند، بدون راوی، هیچ روایتی وجود ندارد (تودورف، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۱).

«شهید آوینی» به سبب برخورداری از دانش ادبی در عرصه نگارش، در مجموعه تلویزیونی «روایت فتح» گفتار متن‌هایی به رشته تحریر درآورد که خصوصیت برجسته آن، در عین پیچیدگی کلام و دشواری مفهوم، روانی و سادگی هوشمندانه گفتار بود که هر بیننده‌ای با شاهکار ادبی «روایت فتح»، ارتباط ذهنی برقرار می‌نمود. از سوی دیگر، صدای پرطنین، باصلابت و در عین حال نجیب، متین و الهام‌بخش «شهید آوینی» که به نوعی جلوه‌ای از کشف و شهود عارفانه وی محسوب می‌شد مخاطب را متوجه مفاهیمی

فراتر از جهان فانی می نمود که در حقیقت آن نوع دوستی، آزادگی، رعایت حقوق بشر، رهایی از تعلقات دنیایی و فناء فی الله بود که به عنوان تصویری مانا و پویا در حافظه تاریخ ادبیات دفاع مقدس جای گرفته است.

از جلوه‌های هنری روایت‌گری «شهید آوینی» در این زمینه، فصاحت و بلاغت کلام با ادای واژه‌های روان و قابل فهم برای مخاطبان با صدای دلنشین وی است که در تفهیم مفهوم و زیباسازی تصویر، کلام و شرح مطالب با توجه به بُعد دینی و حماسی دفاع مقدس تأثیرگذار می‌باشد. این هنرمند فرزانه، علاوه بر بیان اقتدار، حقانیت، مظلومیت و حماسه‌سازی رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد، در مقابل بر سنگدلی، ضعف، بزدلی و تجاوز بیرحمانه دشمن نیز تأکید می‌ورزید و در بیان این موضوع، ارتباط عاطفی و منطقی صحیح میان ارزش‌ها و مبانی دینی (حماسه عاشورا و تشیع) را با دفاع مقدس برقرار می‌نمود و از روایات و آیات مربوط به جهاد و دفاع، متناسب با موضوع استفاده می‌کرد. طبیعی است که راوی در اندیشه رشد و ارتقاء آگاهی روایت‌شنو، (مخاطب) نسبت به مبانی، ارزش‌ها و حماسه‌های دفاع مقدس باشد.

## ۶.۲ تفاوت روایت از ناروایت

هر متن در ابتدا ممکن است به دلیل همانندی‌هایی با روایت، برای مخاطب روایت به‌شمار آید؛ درحالی‌که باید روایت از ناروایت تفکیک شود. از جمله مهم‌ترین شرایطی که تولان برای تشخیص روایت از ناروایت بیان می‌کند:

- هر روایت دارای درجه‌ای از تصنع یا «ساختگی» بودن است که معمولاً در گفتار بداهه روزمره دیده نمی‌شود. بر روی «روایت» کار شده است و تسلسل و توالی، تأکید و آهنگ تنها در یک روایت دیده می‌شوند.
- روایت‌ها معمولاً دارای یک «گذرگاه» هستند. مسیری دارند و یا انتظار می‌رود که به جایی برسند، در مسیر خود پیش بروند و نهایتاً ما را به یک نتیجه یا نوعی «گشایش» برسانند.
- روایت‌ها حتماً یک «راوی» یا گوینده دارند. حال باید اندیشید که این راوی کیست؟
- روایت‌ها همگی تابع اصل دیگر زبانی یعنی «جایابی» هستند. توانایی انسان در اشاره به چیزها، پدیده‌ها یا وقایعی که در زمان و مکان از گوینده یا مخاطب

نگرشی به «روایت فتح» از شهید ... (بهجت السادات حجازی و حکیمه آخوندزاده) ۳۳

دور شده‌اند و احضار آن لحظه، می‌توان مدعی شد که باید همواره یک فاصله‌گذاری زمانی - مکانی در گفتار وجود داشته‌باشد تا بتوان آن را یک روایت نامید (تولان، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۲).

«روایت فتح» مستندی تاریخی (واقع‌گرا) است که «شهید آوینی» در جایگاه یک راوی صادق که خود مستقیماً شاهد وقوع رویدادهای صحنه‌های نبرد بوده، رویدادها را با کمال فروتنی، صادقانه و با نیتی الهی بیان نموده‌است. بدیهی است ارزش و اعتبار خبری که راوی خود به طور مستقیم شاهد آن رویداد بوده به مراتب از خبری که روایت‌کننده آن، از دیگران نقل کرده بیشتر است. وی اگرچه از قدرت خلاقیت ادبی خود در تدوین مستندها و روایت‌گری آنها بهره‌می‌گیرد؛ ولی به هیچ وجه از واقعیت موجود فاصله نمی‌گیرد تا حقایق را آن‌گونه که رخ داده، برای نسل‌های آینده بنگارد.

با توجه به اهمیت موضوع گفتارها و نوشتارهای شهید «سید مرتضی آوینی» در آگاهی‌دادن به جامعه در جهت تبیین وضعیت جبهه‌های نبرد و آرمان‌های الهی و انسانی که ترغیب‌کننده ایشان برای جانفشانی و ایثار بوده‌است، مستند «روایت فتح» را می‌توان از یک جهت نمونه‌ای از نثر روایی متعهد دفاع مقدس و از جهت دیگر نمونه‌ای از گفتارهایی به‌شمار آورد که بدون هیچ تصنع و در زمان وقوع رویدادها درحالی‌که خود راوی شاهد آن‌ها بوده‌است؛ با بیانی زیبا و آرامش‌بخش به روایت‌گری پرداخته‌است.

«شهید آوینی» علاوه بر این که هنگام فیلم‌برداری صحنه‌های جنگ در سنگرها و خاک‌ریزها حضور دارد، گفتار متن فیلم را خود می‌نویسد و همچنین آن را با صدای جذاب و ملکوتی خویش نیز بیان می‌کند که این مسئله نمایانگر محوری بودن نقش وی در مستند «روایت فتح» می‌باشد. این تصویرگر خردمند، آینه مطلق سیمای حماسه‌سازان مخلص و عاشورایی جبهه‌ها در «روایت فتح» گردید. اثر فاخر «روایت فتح»، در قالب سیما با صدای حماسی، تصویر عرفانی و هنری، زیباترین تفسیر و تعبیر در بزرگ‌ترین واقعه جهان هستی (عاشورا)، را در ضمیر و جان مخاطب نهادینه می‌ساخت. در واقع، «سید شهیدان اهل قلم»، آفرینش‌گر اثر ادبی و هنری با نگرش اسلامی و سیر و سلوک باطنی، هدایت‌گر مخاطب شنیداری و دیداری خویش به حکمت تأویلی و از صورت و جزء (ظاهر)، به معنا و کل (باطن و مفهوم) بود.

## ۷.۲ تقسیم‌بندی روایت جنگ

جان‌پور در پژوهش خود روایت (جنگ) را به لحاظ نوع ارتباط میان مخاطب و متکلم به چهار دسته تقسیم‌بندی کرده‌است:

### ۱.۷.۲ روایت غیرمستقیم

در این نوع خاص از روایت‌گری، راوی، پیام و مفهوم خود را در قالب رسانه‌ای (اعم از کتاب، نمایش‌نامه، فیلم، رادیو، تلویزیون، روزنامه و ...) به اطلاع مخاطب می‌رساند؛ در نتیجه، می‌توان گفت پیام به شکل غیرمستقیم به مخاطب انتقال می‌یابد و امکان این‌که راوی همزمان بازتاب نظر و احساس مخاطبان را دریابد، وجود ندارد. در حالی که دانستن این مطلب از این نظر اهمیت دارد که نوع رابطه‌ای که افراد با یکدیگر برقرار می‌کنند و آثاری که از این رابطه به جا می‌ماند، عامل تعیین‌کننده مهمی در استمرار و تقویت نوع خاصی از روایت و روایت‌گری است. با تسامح می‌توان گفت که اکثر روایت‌گری‌های عصر حاضر در قالب این رابطه می‌گنجد؛ زیرا محدودیت‌ها و ضرورت‌های ارتباط در دوره جدید موجب شده که رسانه‌ها در روایت‌گری نقش گسترده‌ای داشته‌باشند.

### ۲.۷.۲ روایت مستقیم یا حضوری

این نوع روایت، که اغلب در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، کنگره‌ها و روضه‌خوانی‌ها به صورت سخنرانی دیده می‌شود، نوعی ارتباط کلامی است که در آن، راوی و مخاطب رودرروی هم قرار می‌گیرند و پیام و مفهوم مورد نظر، بی‌واسطه به اطلاع مخاطب می‌رسد. روایت مستقیم، که اکثراً راویان آن، اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند، معایب و محاسنی دارد. از جمله محاسن این نوع روایت این است که بازخورد و بازتاب پیام آن قابل مشاهده است و لذا راوی می‌تواند درباره ادامه ارتباط یا قطع آن و حتی تغییر در نوع کلام و محتوای آن تصمیم‌گیری کند. همچنین روایت مستقیم این امکان را به مخاطب نیز می‌دهد که درباره چگونگی روایت‌گری فرد راوی اظهار نظر کند. گرچه مخاطب روایت مستقیم گاه به علت تحت تأثیر قرار گرفتن از جانب راوی - چه تأثیر منفی، چه مثبت - مجال اظهار نظر پیدا نمی‌کند» (جان‌پور، ۱۳۸۶: ۱۳۸-۱۳۷).



### ۳.۷.۲ روایت در روابط بین فردی

روایت بین فردی عبارت است از ارتباطی که یک فرد با فرد دیگر برقرار می‌کند، مانند مباحثه و گفت‌گویی دو نفر با هم. در این نوع ارتباط، احساس نیاز و تمایل طرفین است و در بسیاری از مواقع، آثار این نوع رابطه به مراتب ماندگارتر و مؤثرتر است. بنابراین، در روایت‌گری نیز هنگامی که فرد مخاطب شخصاً و با انگیزه درونی نزد راوی می‌رود و طلب برقراری ارتباط می‌کند، آثار ماندگارتری حاصل می‌شود.

### ۴.۷.۲ روایت در روابط گروهی

این نوع روایت عبارت از ارتباطی که یک فرد با گروهی از افراد مانند کلاس یا گروه مطالعاتی برقرار می‌کند. در این ارتباط، فرد، نه در مقام مسئول گروه، بلکه در مقام یکی از اعضاء به شمار می‌آید و به صحبت‌های او از سرعدل و مساوات نگاه می‌شود. ملاک شکل‌گیری این نوع ارتباط، علاقه و دغدغه مشترکی است که در همه اعضاء گروه وجود دارد. در روایت‌گری، برگزاری جلسات با پیشکسوتان یا راویان و رزمندگان و مطالبی که طرح می‌شود، بیانگر ارتباط گروهی راویان با یکدیگر و یا راویان و مخاطبان باهم است (همان: ۳۵۱-۳۵۰).

هر ارتباط متشکل از سه عامل متکلم (گوینده)، مخاطب (شنونده/ بیننده) و پیام (متن/ گفتار) می‌باشد. یکی از خصوصیات مؤثر در ایجاد ارتباط، مخاطب است. نگرش و بررسی دقیق آثار، سبب واکاوی گفتار و اندیشه مؤلف توسط مخاطب می‌گردد. هر متکلم باید با شناخت نسبت به مخاطب کلام گفتاری و نوشتاری خویش، دریابد با چه کسی و چه نوع تفکر و دیدگاهی سخن می‌گوید تا بر این اساس به قلم و یا اندیشه خود مبنایی حقیقی، منطقی، معنوی و الهی بخشد. کلام و گفتار در آثار «شهید آوینی» علاوه بر اطلاع‌رسانی، ریشه در ایمان و باورهای قلبی او دارد که از جمال فکری و کمال معنوی او نشأت می‌گیرد. مخاطبان وی در روایت فتح، دنیاپرستان غافل از آخرت که آن را به سُخره گرفته‌اند نمی‌باشند؛ بلکه در پرتو تفکر الهی، قلب‌ها و فطرت پاک مؤمنین و صالحین است که ایمان همچون نقشی بر سنگ، در نهاد آنان مسکن گزیده‌است، در واقع مخاطب اصلی این اثر غالباً کسانی هستند که به جبهه‌ها می‌روند و از زبان حال آنها روایت می‌کند:

آری ما از این موهبت برخوردار بودیم که انسان دیدیم. ما یافتیم آنچه را که دیگران نیافتند. ما افق‌های معنوی انسانیت را در شهدا تجربه کردیم. ما ایشان را دیدیم

که چگونه تمثّل می‌یابد. عزّت را هم، عشق را هم، امید را هم، کرامت را هم،... (آوینی، سایت مجموعه‌ای از صداهای راوی فتح)

ما وارث انبیا هستیم و غایات الهی آفرینش انسان در وجود ماست که معنای یابد. ما از مرگ نمی‌ترسیم که مرگ ما شهادت است و شهادت حیات عند رب. عقل‌های مهجور و آیین‌های قیراندود فطرت بشر غربی چگونه خواهد توانست که معنای حیات عند رب را دریابد؟ حیات عند رب، نقطه پایانی معراج بشریت که به آن جز با شهادت دست‌نمی‌توان یافت. (همان پیشین)

ولی گاهی نیز افراد دیگر خصوصاً کسانی را که در افق فهم ایشارگران و عاشقان تحقّق عدالت و تجسّم حقیقت نیستند؛ مورد خطاب قرار می‌دهد: «ای وجدان‌های نیم‌خفته چشم بیداری بگشایید و ای بیداران گوش فرادهید. مائیم که بارتاریخ را بر دوش گرفتیم تا جهان را به سرنوشت محتوم خویش برسانیم.» (همان پیشین)

از جهت آنکه شهید آوینی در زمان حیات خود در قالب رسانه تلویزیون پیام‌های رویارویی رشیدانه رزمندگان را به مخاطبان عرضه می‌کرد؛ «روایت غیر مستقیم» به‌شمار می‌آید و از آنجا که «روایت فتح» ارتباط راوی با سایر کسانی است که این مستند را دنبال کرده‌اند؛ از نوع «روایت در روابط» گروهی است.

## ۸.۲ شیوه روایت‌گری در «روایت فتح»

«شهید آوینی» دو شیوه روایت‌گری دارد: ۱- شیوه روایت‌گری گفتاری که در آن با صدای زیبای خود روایت جبهه‌های حقّ علیه باطل را روایت می‌کند. ۲- شیوه روایت‌گری نوشتاری که به صورت اثر مکتوب (متن‌نوشته) می‌باشد.

«روایت فتح» تصویرگر بن‌مایه‌های مذهبی با تأکید بر نهادینه ساختن مفاهیم خداپرستی، آزادی، انسان‌دوستی، رعایت حقوق بشر و بازتابی از چهره مستکبران و ستم‌بندگان در دفاع مقدّس می‌باشد. کارکرد ایدئولوژیکی زبان «شهید آوینی» در «روایت فتح»، بسیار قوی و مملو از مفاهیم عرفانی و اسلامی است که در بستری غنی و مناسب از آموزه‌های معنوی، ذهن مخاطب را فراسوی دنیای مادی هدایت می‌کند تا به دور از خستگی و روزمرگی‌های زندگی به کسب معرفت الهی نائل گردد:

گریه تجلی آن اشتیاق بی‌اتهایی است که روح را به دیار جاودانگی و لقاء خداوند پیوند می‌دهد و اشک آب رحمتی است که همه تیرگی‌ها را از سینه می‌شوید و دل را به عین صفا که فطرت توحیدی عالم باشد، اتصال می‌بخشد و ساعاتی به شروع حمله نمانده است و اینجا آینه تجلی تاریخ است. (همان پیشین)

«شهید آوینی» در کلام خویش بر تشریح وقایع صحنه‌های جنگ تحمیلی، درس‌های واقعه عاشورا و ظهور منجی عالم بشریت (عج)، در جهت برپایی عدالت در گستره هستی اشاره می‌نماید چراکه؛ شیوه روایت‌گری وی حقیقت‌خواهی و حقیقت‌گویی همراه با زبان ساده و شیوه‌ای هوشمندانه و در عین حال نگرشی حکیمانه و عارفانه می‌باشد. وی بین روایات اسطوره‌ای واقعه عاشورا و روایت جنگ تحمیلی به صورت غیرصریح، رابطه تشبیهی و تمثیلی برقرار کرده است: «هر که می‌خواهد ما را بشناسد، داستان کربلا را بخواند. اگرچه خواندن داستان را سودی نیست؛ اگر دل کربلایی نباشد. چه بگوییم در جواب این‌که حسین کیست و کربلا کدام است؟ چه بگوییم در جواب این‌که چرا داستان کربلا کهنه نمی‌شود؟» (همان پیشین) باز جای دیگر می‌گوید: «همین جا بود که عاشورا تکرار می‌شد. اما این بار دیگر امام حسین (ع) به شهادت نمی‌رسید، بسیجیان بودند. فدائیان امام، گردان گردان، لشکر لشکر...» (همان پیشین)

در «روایت فتح» صورت‌زیرین جنگ در حکم امر محسوس و جزئی است. این صورت براساس تلقی ادواری از تاریخ به امر کلیّ تاریخ انبیاء و اولیاء تأویل می‌شود؛ به عبارت دیگر، صورت برین تمثیل «روایت فتح» نهضت انبیاء و واقعه کربلا است. بخش اعظم «روایت فتح» بر این تمهید ادبی و هنری بنا شده است و بر پایه چنین تمهیدی می‌توان ادعا کرد که «روایت فتح» به کلیت‌گرایی گرایش دارد. در حالی که سینمای مستند به شکل عامّ و مستندهای جنگی، به شکل خاصّ، به اطلاع‌رسانی جزئی و دقیق گرایش دارد. در مستندهای متعارف جنگی اطلاعات جزئی از کارزار بیان می‌شود و برای تضعیف روحیه دشمنان و تشجیع رزمندگان خودی از پیروزی‌ها سخن می‌گویند. در واقع، در این گونه مستندها اطلاعات جزئی جنگ برای تهییج مخاطبان گزارش می‌شود و هدف دیگری ندارد؛ ولی در «روایت فتح» اطلاعات جزئی برای ساخت صورت‌زیرین بیان می‌شود و پس از آن به وسیله گفتار در فرمی تمثیلی به صورت برین تشبیه می‌شود (حکمت‌یار، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

در «روایت فتح» دو نوع صدا به چشم می‌خورد: یکی صدای راوی است، آنچه در مستند می‌گذرد، روایت می‌کند. این صدا آرام، لطیف و با هیجان کمتر همراه است و دوّم، صدای راوی اعظم و یا راوی مافوق راوی اوّل، این صدا محزون‌تر و با صلابت بیشتر به روایت‌های فراملّی و فراتاریخی می‌پردازد. راوی اعظم، حتّی درس‌های اخلاقی نیز می‌دهد و رزمندگان - بلکه مردم - را موعظه می‌کند. صدای وی برون‌گرا نیست، درون‌گرا است، با ما سخن نمی‌گوید، با خود سخن می‌گوید. صدای باز، صاف و با هیجان برای بیان صحنه‌های شگرف و پر خطر نیست، آرام و با خودگو و محزون و مظلوم است. صدایی که به روایت می‌پردازد، صدایی برای توضیح صحنه‌های جنگ نیست، روایت جدا شده از متن فیلم‌ها است. «آوینی» با صدای خود گویی دارد می‌رود. مستند او گفتگو با کسی نیست، با خویش است، کشف چیزی نیست، کشف خود است، به گفته خود او، محاکات است. به همین سبب، هنگامی که «روایت فتح» را می‌نگریم، «آوینی» مستندساز نیست که با ما سخن می‌گوید.

اساساً کسی با ما سخن نمی‌گوید، صدای محزونی است که با خود در حال گفت‌وگو است. رمانتیسم دینی و عرفانی نهفته در این زبان روایی، مخاطب را با نیروی گرانشی عظیم به درون خود می‌کشاند و مجال و توان مقاومت برای بیرون بودن از زبان روایت را باز می‌ستاند. پس یا باید از او بترسیم یا به درون روایت او، کشانده شویم. صدای او محزون است شاید محزون از شهادت هم‌زمان، ولی حزن او تاریخی است (یک جراحت تاریخی)، بغضی فرو خورده که به محض آن‌که چون راوی حتّی با خود حرف می‌زند، این بغض آشکار می‌شود. در صدای راوی فقط مظلومیّت است، مظلومیّت که مفهوم تحمیل‌شدگی جنگ در آن نهفته است. صدای او ندای مظلومیّت امام حسین علیه‌السلام و یارانش در صحرای کربلا است (کوثری، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

همان‌گونه که اگر شاعری سروده خود را بخواند؛ تأثیرگذاریش در شنونده، افزون خواهد شد؛ اثر گذاری «روایت فتح» نیز که نویسنده و راوی آن یک نفر است؛ قطعاً بیش‌تر خواهد شد. به نمونه زیبایی از «روایت فتح» اشاره می‌گردد:

آفتاب باز هم پایین‌تر آمده‌است و دل‌ها می‌خواهند که از قفس تنگ سینه‌ها بیرون بزنند. انتظار سایه‌ای از اشتیاق بر همه چیز کشانده‌است. همه کارهای معمولی پر از راز می‌شود و اشیاء حقیقتی دیگر می‌یابند. نان همان نان است و آب همان آب است و بچه‌ها نیز همان بچه‌های صمیمی و بی‌تکلف و متواضع و ساده‌ای هستند که همیشه

در مسجد و نماز جمعه و محل کارت می‌بینی؛ اما در این‌جا و در این ساعات، همه چیزهای معمولی هیبتی دیگر پیدا می‌کنند: تو گویی همه اشیاء گنجینه‌هایی از رازهای شگفت خلقت هستند، اما تو تا به حال در نمی‌یافتی. امان از غفلت! آیا می‌خواهی آخرین ساعات روز را در میان خط‌شکن‌ها باشی؟ امشب شب عاشورا است. تو هم بیا و در گوشه‌ای بنشین و این جماعت عشاق را تماشا کن.

بیا و بعثت دیگر باره انسان را تماشا کن. خداوند بار دیگر انسان را برگزیده است. بیا و بعثت دیگر باره انسان را تماشا کن. خداوند بار دیگر توبه انسان را پذیرفته و او را برای خویش برگزیده است. اینان در یادلان صف‌شکنی هستند که دل شیطان را از رعب و وحشت می‌لرزاند و در برابر قوه الهی آنان، هیچ قدرتی یارای ایستادگی ندارد؛ اما مگر نشنیده‌ای که آن اسدالله غالب، آن حیدر کرار صحنه‌های جهاد که چون فریاد به تکبیر برمی‌داشت و تیغ برمی‌کشید، عرش از تکبیر و تهلیل ملانک پُر می‌شد و رعد بر سپاه دشمن می‌گریید و دروازه خیبر فرو می‌افتاد، او نیز که شب می‌شد ..... چه بگویم؟ از چاه‌های اطراف کوفه پیرس که هنوز طنین گریه‌ها و ناله‌های او را به خاطر دارند (آوینی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۵).

## ۹.۲ تأویل و اشراق در «روایت فتح»

اشراق در لغت به معنی روشن کردن و نور دادن و طلوع کردن است. با اشراق، هر چیزی نورانی می‌شود. نورانی کننده مانند خورشید است که همان حقیقت باشد. سهروردی اشراق را عبارت از ظهور انوار عقلی و درخشش و رسیدن آن‌ها به روان‌های کمال یافته و وارسته می‌داند. کلمه شرق نیز همواره به جایی گفته می‌شود که سرچشمه تابش نور است (مددپور، ۱۳۸۴: ۹۳).

شهید آوینی در مستندسازی شیوه‌ای را دنبال می‌کرد که خود آن را اشراقی در فیلم‌سازی می‌نامید. این اصطلاح را اولین بار او به‌کاربرد و بعد از او هم کسی آن را پیگیری نکرد. فیلم‌سازی به شیوه اشراقی، قبل از آن‌که به توان و تکنیک سینمایی فیلم‌ساز وابسته باشد به ادراک و برداشت او از حقیقت موضوع برمی‌گردد و نسبتی که او با حقیقت برقرار می‌کند. فیلم‌سازان «روایت فتح» و در رأس آن‌ها «سید مرتضی آوینی» برداشتی عرفانی و شهودی از دفاع مقدس داشتند. همین نگرش عرفانی و اشراقی نسبت به جنگ بر فیلم‌سازی آن‌ها اثر گذاشت؛ به همین جهت در «روایت فتح» رزمندگان عارفانی تصویر می‌شوند که راه ۱۰۰ ساله عارفان را بی‌خبر از اصطلاحات پُر طمطراق عرفان عملی

و نظری، یک شبهه طیّ کرده‌اند. اگر «روایت فتح» نگاه عارفانه دارد به خاطر این است که خود فیلم‌ساز عارف است و عرفان نهفته در لایه‌های پنهانی جنگ را ادراک کرده؛ پس توانسته است بخشی از آن عرفان را به تصویر بکشد. (همان: ۹۳) «در ادبیات اشراقی هنرمند با حقیقت نسبتی دارد و در این جا هنرمند، چنان نسبتی با هستی پیدا می‌کند که در سیر سلسله مراتب طولی، به وجودش نور اشراق می‌تابد و حقیقت در قاب تصویر در متن نوشته دوربین متجلی می‌گردد و نویسنده چنان به حقیقت تقرّب می‌یابد که حجاب نفس انسان به کنار رفته و دیگر میان «من و عالم هستی» هیچ حجابی وجود ندارد» (امامی، ۱۳۸۰: ۱۳۴). «سید مرتضی آوینی» خود درباره شیوه اشراقی چنین می‌نگارد:

اثر سینمایی یک کارگردان پیش از آن که مراحل عملی را طی کند در نسبتی که او با جهان برقرار می‌کند خلق می‌شود. جنگ هشت‌ساله‌ای که ما پشت سر گذاشتیم واقعیتی است که بسیاری درباره آن فیلم ساخته‌اند؛ اما در کدام یک از این فیلم‌ها حقیقت آن انکشاف یافته‌است و البته هیچ کس نمی‌تواند آینه مطلق باشد و خواه‌ناخواه رشحاتی از درون او نیز در اثرش پیدا خواهد شد. ما در گروه روایت فتح شیوه مستندسازی خودمان را اشراقی می‌خواندیم؛ زیرا ما به تجربه دریافته بودیم که حقیقت هستی امکان ظهور در سینما را دارد، منتهی باید تکنیک و تکنولوژی سینما را که همواره مانع و حجاب این تقرّب هستند، اهلی کرد و این اهلیت اگرچه با مهارت فنی نسبتی غیر قابل انکار دارد؛ اما بیش از هر چیز به نسبتی رجوع دارد که فیلم‌ساز با عالم وجود خود برقرار می‌کند. بنابراین خودمان را یکسره تسلیم واقعیتی می‌کردیم که در جبهه‌ها وجود داشت. (آوینی، ۱۳۹۲: ۴۰۸)

در بررسی اثر «روایت فتح»، استفاده از مضامین جدید در قالب آرایه‌های ادبی به ویژه استعاره تأویلی کاملاً ملموس است. استعاره زیبایی‌های پنهان کلام را آشکار می‌سازد. «شهید آوینی» آن چه را که در دنیای پیرامونش به نظاره می‌نشیند و به آن می‌اندیشد همراه با ارزش‌ها و اعتقادات انسانی و الهی خود را در ذهن مبتکرش می‌پروراند و آن را با ترکیب ادبی استعاره تأویلی در معرض دید مخاطبان فهم خود قرار می‌دهد. کتاب گنجینه آسمانی سرشار از ترکیبات ادبی به ویژه استعاره تأویلی است که جهانی فراسوی مادی را به تصویر کشیده‌است و در واقع تلنگری به ذهن مخاطب و فطرت آدمی است تا انسان خاکی را از دنیای ناسوت رهانده و به عالم لاهوت که بر همه عالم وجود مستولی است رهنمون گردد.

فتوحی در مورد کارکرد استعاره به لحاظ فراهم کردن زمینه تأویل می‌نویسد:

استعاره‌ها از آن جهت که به اموری غیر از خود اشاره دارند و ذهن را به سوی چیزی غیر از خود معطوف می‌کنند، زمینه تأویل را فراهم می‌سازند. تأویل یعنی شناخت نیست‌ها به وسیله هست‌ها؛ یا پی بردن از آنچه ظاهر است به آنچه ظاهر نیست. استعاره نوعی آزادی را فراهم می‌کند تا خواننده با عمل تأویل مجال فعال‌سازی ذهن و بازآفرینی معنا را پیدا کند. تأویل‌گر، سخن و نشانه‌ها را متناسب با تجربه‌ها و عقاید خویش بیان می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۴۱).

در استعاره تأویلی به تک مصداق‌ها اشاره می‌شود که بی‌شک در متن کتاب گنجینه آسمانی موارد متعددی را در این زمینه می‌توان یافت که به علت تنگی مجال از ذکر آن‌ها در این مبحث صرف‌نظر می‌نماییم. از جمله ترکیبات ادبی، «قبرستان‌نشینان عادات سخیف» و «قبیله نورخواران و نورآشامان» می‌باشد که تأکید «شهید آوینی» در آن به پرهیز از نفس‌آماره و تفکر در عالم ربوبی و الوهیت و جمیع صفات کمالیه می‌باشد. به بعضی شواهد اشاره می‌گردد:

شایستگان جاودانان هستند، حکمرانان جزایر سرسبز اقیانوس بی‌انتهای نور نور که پرتوی از آن، همه کهکشانشان‌های آسمان دوم را روشنی بخشیده‌است. ای شهید، ای آن‌که بر کرانه ازل و ابدی وجود برنشسته‌ای، دستی برآر و ما قبرستان‌نشینان عادات سخیف را نیز از این منجلاب بیرون بکش (آوینی، ۱۳۹۲: ۴۰۸).

اگر قبرستان جایی است که مردگان را در آن به خاک سپرده‌اند، پس ما قبرستان‌نشینان عادات و روزمرگی‌ها را کی راهی به معنای زندگی هست؟ اگر مقصد پرواز است، قفس ویران بهتر، پرستویی که مقصد را در کوچ می‌یابد از ویرانی لانه‌اش نمی‌هراسد (همان: ۴۰۶).

مگر جز پروانگان که پروای سوختن ندارند، دیگران را نیز این شایستگی هست که معرفت نور را به جان بیازمایند؟ و این زمزم نور است و اینان قبیله نورخواران و نورآشامان هستند و مگر برای آنان که لذت این سوختن را چشیده‌اند، در این ماندن و بودن جز افسردگی و ملالت چیزی هست؟ قوام این عالم اگر هست در اینان است و اگر نه، باور کنید که خاک ساکنان خویش را به یکباره فرو می‌بلعید (همان: ۴۰۷).

شهادت ذروه بلند تکامل انسانی و خون شهید سبزینه حیات طیبه آخروی و تربت او دارالشفای آزادگان است. شهیدان در جوار رحمت حق شاهدان محفل انس هستند.

برای خود دل‌تنگ باشیم که اموات قبرستان عادات و تعلقات و گمگشته‌های فراموش‌خانه نفس هستیم (همان: ۳۴۲).

### ۳. نتیجه‌گیری

شهید آوینی با تلفیقی از روایت ادبی و تاریخی در نوشتار «روایت فتح» و شیوه بیان منحصر به فرد خود وی در گفتار آن خلاقیتی بی‌نظیر و تأثیرگذار آفریده است. «روایت فتح» از نوع روایی و روایت به معنای عام است نه داستانی.

در روایت‌گری، نقش آفرینی خیال‌انگیز با توجه به نوا و آهنگ در موسیقی کلام و شاخص نمودن گفتار با استفاده از استعاره‌های تأویلی است. به لحاظ معنایی نیز وی بر مفاهیم و درون‌مایه‌های آرمان‌های دین اسلام، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با تکیه بر مضامینی همچون عاشورا، ایمان به معاد، و ... تأکید دارد.

وی دو شیوه روایت‌گری را در این مستند دنبال می‌کند: ۱- شیوه روایت‌گری گفتاری که در آن با صدای زیبای خود روایت جبهه‌های حق علیه باطل را روایت می‌کند. ۲- شیوه روایت‌گری نوشتاری که به صورت اثر مکتوب (متن نوشته) را با عنوان «گنجینه آسمانی» برجای می‌گذارد. مستند «روایت فتح» را می‌توان از یک جهت نمونه‌ای از نشر روایی متعهد دفاع مقدس و از جهت دیگر نمونه‌ای از گفتارهایی به شمار آورد که بدون هیچ تصنع و در زمان وقوع رویدادها در حالی که خود راوی شاهد آنها بوده است؛ با بیانی زیبا و آرامش‌بخش به روایت‌گری پرداخته است.

یکی از برجستگی‌های مستند «روایت فتح» در مقایسه با سایر مستندهای جنگی صداقت و حقیقت‌بینی راوی و عشق‌ورزیدن به شخصیت‌هایی است که با دل و جان از آنها روایت می‌کند. همچنین کاربرد استعاره‌ها در زبان تأویلی و رویکرد اشراقی در نوشتار و گفتار خود از دیگر برجستگی‌های این مستند است.

حق‌جویی و نگرش شهودی - عرفانی نسبت به مسئله جنگ و دفاع مقدس، روندی نوین در روایت به سبک اشراقی آفریده است. به عبارت دیگر، ادبیات پایداری، با کلام روایی، بیان تأویلی، بی‌ش و نگرش اشراقی، ضرورت توجه به تجارب، درس‌ها و فرهنگ دفاع مقدس را تبیین می‌نماید. خلوص و اتصال به منبع لایزال الهی، حقیقت‌بینی (واقع‌گرایی)، تلفیق رویدادهای جبهه و فرهنگ عاشورایی با ترکیب گفتار متن ادبی،



نگرشی به «روایت فتح» از شهید ... (بهجت السادات حجازی و حکیمه آخوندزاده) ۴۳

تصاویر حماسی و معنوی، صدای با صلابت و ملکوتی، اثر وزین «روایت فتح» را در این سبک (اشراقی)، یکتا و بی‌همتا نموده‌است.

## کتاب‌نامه

- آروین، شکوفه و دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). «سینمای اشراقی، سینمای معناگرا از منظر شهید مرتضی آوینی». نشریه مطالعه تطبیقی هنر. بهار و تابستان. دوره ۴. شماره ۷. (صص ۱۱۷-۱۰۷).
- آوینی، سید مرتضی. (۱۳۹۲). گنجینه آسمانی. چاپ دوم. تهران: نشر واحد.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۹). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.
- احمدخمس، میترا. (۱۳۹۶). معراج عشق (راز ماندگاری روایت فتح شهید آوینی). تهران: نشر تیرگان.
- امامی، صابر. (۱۳۸۰). شهید آوینی و سینمای مستند (عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس) هنر و ادبیات. چاپ اول. قم: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- بامشکی، سمیرا و قوام، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). «نقش‌های روایت‌شنو در مثنوی». فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی. سال سوم. شماره ۹. (صص ۱۱۳-۹۱).
- تاجدینی، علی. (۱۳۹۰). همسفر خورشید. چاپ اول. تهران: نماد اندیشه.
- تودورف، تزوتان. (۱۳۸۲). بوطیقای ساختارگرا. ترجمه محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- تولان، مایکل. (۱۳۸۶). روایت‌شناسی: درآمدی بر زبان‌شناختی-انتقادی. ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی. تهران: سمت.
- جان‌پور، محمد. (۱۳۸۶). «روایت‌گری: ملاحظات و آسیب‌پذیری‌ها» روایت‌گری (جنگ) با ملاحظات، آسیب‌ها و تهدیدها». فصلنامه نگین ایران. شماره ۲۲. (صص ۱۳۸-۱۳۷).
- جعفریان، حبیب. (۱۳۸۹). شهید آوینی (سیری در آثار). چاپ چهارم. تهران: نشر کتاب صبح.
- حکمت‌یار، عرفان. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل جنبه‌های ادبی گفتار متن‌های "روایت فتح" شهید آوینی و بررسی کارکردهای زیبایی‌شناسانه آن». طرح تحقیقاتی برای پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- خدادادی، فضل‌الله و طاهری. (۱۳۹۶). «تبیین تفاوت‌های متن روایی و غیر روایی». متن پژوهی ادبی. بهار. سال بیست و یکم. ش ۷۱. (صص ۴۷-۲۹).
- داد، سیما. (۱۳۹۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ ششم. تهران: مروارید.
- رشیدیاسمی، غلامرضا. (۱۳۱۶). آیین نگارش تاریخ. تهران: مؤسسه وعظ و خطابه.
- ریکور، پل. (۱۳۸۴). زندگی در دنیای متن. ترجمه بابک احمدی. چاپ چهارم. تهران: مرکز.
- ریمون-کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). روایت داستانی: بوطیقای معاصر. مترجم ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.

- علی اکبری، ناهید. (۱۳۹۱). پایان‌نامه «بررسی زندگی، شخصیت و آثار شهیدان اهل قلم». به راهنمایی احمد امیری خراسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- فرهادپور، مراد. (۱۳۷۵). «یادداشتی درباره زمان روایت». ارغنون. شماره ۱۰ و ۹، (صص ۲۷-۳۸).
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها). چاپ دوم. تهران: سخن.
- کمری، علیرضا. (۱۳۸۷). تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق. چاپ اول. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد دفاع مقدس.
- کوثری، مسعود. (۱۳۹۰). «هنر شیعی در ایران». نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. بهار و تابستان. دوره ۳. شماره ۱. پیاپی ۵. (صص ۳۴-۵).
- لوتی، ی. (۱۳۸۶). درآمدی بر روایت‌شناسی ادبیات و سینما. ترجمه امید نیک‌فرجام. تهران: مینوی خرد. والاس، مارتین. (۱۳۸۶). نظریه‌های روایت. ترجمه محمد شهباز. چاپ دوم. تهران: هرمس.
- مدبری، محمود و حسینی سروری، نجمه. (۱۳۸۷). «از تاریخ روایی تا روایت داستانی (مقایسه شیوه‌های روایت‌گری در اسکندرنامه‌های فردوسی و نظامی)». گوهر گویا. سال دوم. شماره ۶، (صص ۲۸-۱).
- مددپور، محمد. (۱۳۸۴). سینمای اشراقی: سینمای دینی و هنر اشراقی شهید آوینی با نظری به عکاسی اشراقی. تهران: سوره مهر.
- معزنی‌نیا، حسین. (۱۳۸۸). سینما و افق‌های آینده. چاپ اول. تهران: انتشارات ماتیکان.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر. چاپ اول. تهران: فکر روز.
- نجومیان، امیرعلی. (۱۳۸۵). «تاریخ، زبان و روایت». پژوهش‌نامه علوم انسانی. دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۵۲، (صص ۳۱۸-۳۰۵).
- نقیب‌السادات، سید رضا و اسدیان، مونا. (۱۳۹۵). «درآمدی بر تحلیل روایت و روایت‌گری در سینما». روزنامه‌نگاری الکترونیک. سال اول. شماره ۲، (صص ۴۹-۲۵).
- یامین‌پور، وحید. (۱۳۹۸). ماجرای فکر آوینی. چاپ دوازدهم. قم. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. دفتر نشر معارف.